فهرست

[قاعده کلی دوم: حکم نظر با ریبه 2](#_Toc96856079)

[سه معنا و مفهوم از ریبه 2](#_Toc96856080)

[نکته اول: نبودن این اصطلاح در روایات 4](#_Toc96856081)

[نکته دوم: تشکیکی بودن مفهوم 5](#_Toc96856082)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# قاعده کلی دوم: حکم نظر با ریبه

به مناسبت بحث جواز نظر به نساء اهل ذمه که دومین استثنا از موارد حرمت نظر به اجنبیه بود که در مسئله 27 عروه مطرح شد وارد بیان دو قاعده عامه در بحث نظر و آنچه در حکم نظر است از انواع ارتباط با اجنبیات شدیم. کاملاً این دو قاعده به‌عنوان دو قاعده مستقل‌اند و به‌تناسب موضوع وارد این مسئله شدیم: در مسئله 27 آمده بود یجوز النظر الی نساء اهل الذمه بل مطلق الکفار مع عدم التلذذ و الریبه. به همین مناسبت وارد دو قاعده کلی شدیم و عرض کردیم این دو قاعده خیلی ارتباطی با بحث ذمیه و امثال اینها ندارد. این دو قاعده به دو بحث کلی اشاره می‌کند که جایی که تلذذ یا قصد التذاذ شهوانی باشد نگاه حرام است با قطع‌نظر از اینکه این نگاه جایز است یا نه. معنای این قاعده این می‌شود که اگر فی حد نفسه هم آن نگاه جایز است ولی با قصد تلذذ و التذاذ شهوانی حرام می‌شود. اگر فی حد نفسه هم جایز نبوده دو معصیت است یکی عدم جواز فی حد نفسه و به‌عنوان اولی یکی عدم جواز به‌عنوان قصد التذاذ که عنوان ثانوی است. این مفاد قاعده بود که در جلسات متعدد بحث کردیم.

قاعده ثانیه ملحق به همین قاعده اولی می‌شود که در کلمات فقها اشتهار دارد خصوصاً از زمان شهیدین. قاعده دوم حرمت نظر با ریبه است. در همین مسئله 27 عروه اشاره به این شد یجوز النظر الی نساء اهل الذمه بل مطلق الکفار مع عدم التلذذ و الریبه بعد مرحوم سید تفسیر کرد که ای الخوف الوقوع فی الحرام. با اینکه می‌گوییم نگاه به ذمیات با حدود و قیودی جایز است اما اگر یکی از این دو امر آمد حرام می‌شود. یا التذاذ و قصد التذاذ یا ریبه. در مسائل متعدد دیگر هم این قید آمده مع عدم التلذذ و الریبه. این قاعده عامه است. قاعده اول را طی جلسات گذشته بحث کردیم الآن وارد قاعده دوم می‌شویم که حرمت نظر است با فرض وجود ریب و ریبه با تفسیری که عرض خواهد شد. این بحث در مسالک در کشف اللثام و جواهر آمده همین‌طور شیخ در نکاحشان این بحث را دارند تا دوره فعلی که در مستمسک و فرمایشات آقای خویی و شبیری همین‌طور در انوار الفقاهه آمده. جواهر ج29 ص 70 شرح عروه آقای خوئی در مجموعه فقهی ایشان ج32 ص 25 است مستمسک جلد 14 ص 29 است انوار الفقاهه هم جلد اول نکاح ص 80 است. اینها جاهایی است که این بحث در آنها طرح شده است. مرحوم شیخ هم در نکاحشان همان اوایل است که این بحث را مطرح کرده‌اند.

## سه معنا و مفهوم از ریبه

اولین بحثی که در این قاعده مطرح می‌شود مفهوم ریب و ریبه ای است که اینجا آمده است. اینکه نگاه با ریبه حرام است موضوع چیست؟ ریبه چیست که پیرامون آن بحث می‌کنیم؟ در اینجا چند تفصیل برای ریبه مطرح است که به شکلی در مسالک و کشف اللثام آمده و بعد هم در کلام مرحوم صاحب جواهر و شیخ امتداد پیدا کرده است. تقریباً خط مستمری است در چند تفسیری که عرض می‌کنیم. از آن اقل بگیریم به سمت اکثر و مفاهیمی که اینجا برای ریبه ذکر شده عرض می‌کنیم.

اولین تفسیری که می‌شود برای ریبه ذکر کرد و در کلمات اشاره‌ای به آن شده این است که ریبه عبارت است از خطور صحنه‌های جنسی حرام. وقتی نگاه می‌کند این نگاه همراه خواطری در دل اوست از معصیت. این همان آمدن در ذهن و در حد تصورات است. وقتی نگاهی حتی به کسی که فی حد نفسه نظر به او جایز بود با خواطر معصیت همراه شد تصوراتی که در ذهن او از گناه نقش می‌بندد مثلاً تقبیل آن شخص که تقبیلش جایز نیست یا مسائل بالاتر از تقبیل است. یعنی معاصی که در ارتباط با آن طرف متصور است با نگاه به ذهن شخص خطور می‌کند. ذمیه است که همین‌طور نظر به او جایز است ولی درجایی اگر همراه شد با خواطری از معصیت. طوری جلب نظر می‌کند که در ذهنش گناه تداعی می‌کند. این مفهوم اول است. این پایین‌ترین سطح مسئله است که با نگاه اموری از انواع معصیت در ذهنش تداعی می‌شود و خطور می‌کند. تصورات گناه در ذهن او نقش می‌بندد. این از کشف اللثام مرحوم شیخ نقل کرده‌اند و در خود کشف اللثام هم هست. الخواطر فی القلوب. این تعبیر را دارد. این مفهوم و معنای اول است که همان تصوراتی است که برانگیخته می‌شود. با نگاهی که فی حد نفسه جایز بود تصورات گناه و معصیت در ذهن او تداعی می‌کند. این مفهوم اول که خیلی پایین است و در حد تصور است.

از این سطح که بالاتر بیاییم مفهوم دوم می‌شود و آن اینکه این تصور او را به میل کشانده نه اینکه در ذهن او به‌عنوان یک تصور محض تداعی بکند. خیلی چیزها تصوراتش در ذهن شخص می‌آید ولی تصور به میل نمی‌انجامد. معنای دوم این است که تصور پلی شده و او را به میل و گرایش کشانده. تمایل به گناهی با شخصی که تماس با او جایز نیست پیدا می‌کند. این هم سطح دوم که میل است. عبور از حد تصور به گرایش و تمایل است. اینها مبادی اراده است. اینجا آنی که از معانی متصور است یکی تصورات و خواطر است که معنای اول بود و دوم هم تمایلات و گرایشات درونی گناه است در ارتباط با آنی که به او نگاه می‌کند. مرحوم شیخ می‌فرماید آنکه در کشف اللثام خواطر فی القلوب آمده درواقع مقصودشان این است. گویا اولی اهمیتی نداشته. اگر کسی که می‌گوید ریبه حرام است و خواطر می‌گوید اینجا خواطر منظور تصوراتی است که او را به تمایلی کشانده نه تصورات محضه. المیل الی محرم مع المنظور الیه. این معنای دوم است که به شکلی مرحوم شیخ می‌فرماید مقصود از ریبه ای که به خواطر تفسیر شده این است.

سطح و تفسیر سوم این است که خوف الوقوع فی الحرام. یعنی از میل هم جلوتر آمده است. تمایلات زیادی ممکن است در افراد باشد ولی واقعاً کسی بر خودش مسلط است و اطمینان دارد میلش او را به گناه نمی‌کشد. تمایلاتش را سرکوب می‌کند و کاملاً قطع دارد به عمل و گناه خارجی دست نمی‌زند. این یک حالت است که آن تصور آمده نیل هم آمده ولی به اراده و اقدام نمی‌رسد. اراده‌ای که بعد تصور و تصدیق به‌فایده و وجود میل پیدا می‌شود در او الآن اراده نیست. گاهی این طور است. اما گاهی هست که از تصور و نیل عبور کرده و حال یا اطمینان دارد یا احتمال عقلایی می‌دهد که انجام می‌دهد. گویا به مرز اراده نزدیک می‌شود و احتمال این می‌دهد که به شکلی به گناه یا تماس گناه‌آلودی دست بزند و به آنجا بینجامد. این خوف وقوع فی الحرام است. این تفسیر سوم درجه بالاتری است و در کلام صاحب عروه هم همین آمده بود. گفته بود نگاه به ذمیات اشکال ندارد مع عدم التلذذ و الریبه ای خوف الوقوع فی الحرام. این به‌طریق‌اولی صورت اطمینان را می‌گیرد. خوف یعنی احتمال عقلایی و قابل‌اعتنا نه احتمال وهمی و ضعیف. این احتمال سومی است که در مسالک و جواهر و عروه این احتمال انتخاب شده است. این حداقل از احتمالاتی است که اینجا در تفسیر ریبه متصور است.

تکرار می‌کنم. حالت پایین این است که خاطره و تصوری از گناه با این نظر در ذهن نقش می‌بندد. خواطر فی القلوب و تصوراتی است که در ذهن می‌آید. معنای دوم این بود که تصورات به‌تنهایی نه بلکه باید به تمایلات برسد و معنای سوم خوف عقلایی از وقوع فی الحرام است. از اینکه مرتکب به معصیتی در ارتباط با منظور الیه شود. نگرانی از این است که به آن بینجامد است.

سؤال: خوف فعلی است؟

جواب: ظهور خوف فعلی است.

این حداقل سه تفسیری است که وجود دارد. از مسالک به این سمت این تفاسیر دیده می‌شود.

سؤال: منظورتان سه معنای اصطلاحی است؟

جواب: بله. معنای لغوی اهمیت ندارد. ریب به معنای شک می‌آید ولی آرام‌آرام درباره شکی که با نوعی اضطراب است به کار می‌رود. اینجا به معنای شک کار ندارد بلکه به معنای درهم‌ریختگی به کار می‌رود. ریب به معنای شک و اینهاست و به مناسباتی در حال اضطراب به‌کاررفته. اضطراب برآمده از شک را ریب می‌گویند. حال از منظر فقهی به این معانی استعمال شده که تناسبی بامعنای اضطراب دارد. این سه معنایی است که در اصطلاح ریبه در فقه وجود دارد.

چند نکته:

 در ذیل این سه تفسیر چند نکته را عرض کنیم.

## نکته اول: نبودن این اصطلاح در روایات

این واژه واژه‌ای روایی یا قرآنی نیست بلکه مصطلحی کاملاً رایج در السنه فقها و کتب فقهی است. این قصد التذاذ یا تلذذ هم تا حدی این‌طور بود اما نه به این شدت. زیرا در چند روایت واژه یا کلمه التذاذ آمده است. در روایت علی ابن سوید یا عبدالله ابن فضل التذاذ و عدم التذاذ و امثال آن بود. گرچه در همه ادله حرمت قصد التذاذ یا التذاذ کلمه التذاذ نیامده بود ولی در دو یا سه تا از آنها کلمه التذاذ بود. اما کلمه ریبه حداقل در چند دلیلی که من نوشتم جایی ریبه نداریم و شاهد ورود خود این واژه در روایات نیستیم. لذا فرق التذاذ با ریبه در این قاعده عامه این است که التذاذ در برخی از این روایات وارد شده بود با همین واژه اما ریبه با همین واژه در روایات نیست. مستحضرید که اصطلاحات فقهی بر دو قسم است. بعضی مصطلحات فقها از خود آیات و روایات و مصادر اصلی گرفته شده و مفهوم همان مفهومی است که در آیه و روایت آمده است ولو آن مفهوم حمل بر معنای لغوی شود اما این مفهوم در خود منبع وارد شده است. اینها مفهوم مأثوره و موجوده در منابع اصلی است.

اما نوع دومی از مفاهیم و مصطلحات فقهی داریم که مفاهیم و مصطلحات مصطاده و انتزاعی است و عین آن در کلمات معصومین نیامده است. این دو نوع است و توجه به این مسئله مهم است زیرا در نوع دوم کلمه‌ای که فقها گفته‌اند برای ما موضوعیتی ندارد. ممکن است با تحلیلی از روایات برسیم به اینکه این مفهوم را کنار بگذاریم و مفهوم بهتری پیدا کنیم یا در تفسیرش کم‌وزیاد انجام شود. به‌عبارت‌دیگر آن اصطلاحی که در فقه آمده و از نوع دوم است در آن دست ما باز است هم برای اینکه این اصطلاح را برداریم بگوییم ادله را بررسی کردیم دیدیم مفهومی بهتر از ریبه وجود دارد یا در تفسیر بگوییم بهترین تفسیر این است. دستمان در تفسیر باز است. درواقع ما اهمیتی نمی‌دهیم در نوع دوم به واژه‌ای که آمده بلکه مهم ادله‌ای است که برای ما ذکر شده است. برخلاف نوع اول که آن کلمه و عبارت و واژه را باید تقید داشت. چون از خود دلیل اتخاذ شده و برگرفته شده است. این یک نکته که اینجا ریبه از نوع دوم است و ازاین‌جهت خیلی اینکه کسی لغت را بکاود و مفهوم را از لغت به دست بیاورد ندارد. در مفاهیم نوع اول است که مفهوم لغوی و مراجعه به لغت و استفاده مفهوم عرفی این معنا برای شخص اهمیت دارد. زیرا همین کلمه در دلیل آمده. اما در قسم دوم اهمیتی ندارد که ریبه را بکاویم و ببینیم معنای لغوی و برداشت عرفی‌اش چیست. زیرا این کلمه در دلیل نیامده است. این کلمه را عنوان مشیر برای استنباطی که از ادله داریم است.

در این نوع دوم تقسیم ثانوی وجود دارد که کمی تأثیر می‌گذارد و آن اینکه قسم دوم یعنی مفاهیمی که وارد درآیات و روایات نیست دو قسم‌اند:

1. گاهی اینها در کلمات متقدمین وارد شده است.
2. گاهی در کلمات متأخرین است.ن

آنی که در کلمات متأخرین است باید کمی به آن توجه کرد. ولو اینکه درآیات و روایات نیست. چون ممکن است این مفهوم را از روایاتی گرفته باشند که به دست ما نرسیده یا استنباط صاف و روشنی بوده که از روایت در عصر متصل به معصوم داشته‌اند لذا بیش از مفاهیم دوره‌های بعد باید به آنها اعتنا بشود مثلاً واژه کثیر السفر از زمان شیخ و قبل آن در السنه فقها دایر بوده. لذا مقداری باید احتیاط کرد و با دقت به آن توجه کرد زیرا ولو در روایات نیست ولی در السنه قدمای اصحاب وارد شده و به خاطر یکی از آن دو نکته که عرض کردیم باید اعتنایی به آن داشت. برخلاف مفاهیمی که در قرن‌های متأخر از چهار قرن اول بحث شده است. ریبه شاید متأخر باشد. در مبسوط و آنها که دیدم شاید نباشد.

سؤال: ریب و شک در روایات آمده

جواب: بله. در بحث نگاه و نکاح نداریم ولی در اول قرآن هم لاریب فیه آمده. شک و ریب در قلب باشد بله. در آیه قرآن ِ **﴿فَيَطْمَعَ الَّذي في‏ قَلْبِهِ مَرَض﴾[[1]](#footnote-1)**‏ است مرض آمده که یکی از ادله است. اما واژه ریب نیست.

سؤال: شاید کنایه از عنوان دیگر است که قبح از گناه را می­رساند....

جواب: بله کنایه از عناوین دیگر است اما نه به خاطر قبحش. به خاطر قبح نیست. به‌هرحال ادله متفاوتی بوده و بعضی جاها دلیلش این است که ارتکازاتی است و باید ارتکاز خودش را در واژه بیان بکند.

پس مفاهیم دو قسم است و این مفهوم از قسم دوم است بعید نیست در تقسیم طولی دیگر باز از قسم دوم باشد.

## نکته دوم: تشکیکی بودن مفهوم

هریک از این تعاریف سه‌گانه که عبارت بود اولاً از تصورات و خواطر ثانیاً میل و گرایش و تمایلات و ثالثاً نگرانی و خوف عقلایی هریک از اینها معلوم است از دو جهت تشکیکی‌اند و مراتب دارند. به این بیان که در همان خواطری که در بخش اول و تفسیر اول گفته شد، این خواطر درجات دارد. گاهی خاطره ناپایداری است که در ذهن شخص از معصیتی در ارتباط با آنی که به او نگاه می‌کند می‌آید. گاهی خاطره مستمر و ماندگار است و در ذهن رسوخ می‌کند. گاهی زود می‌گذرد و گاهی خواطر پایدار است و مراتب دارد. همان‌طور که در میل هم همین‌طور است. اگر تصورات او را به تمایلاتی کشاند تمایل به انجام فعل محرم مراتب دارد. گاهی تمایل معمولی است و گاهی تمایل شدیدی پیدا می‌شود. گاهی از آن تعبیر به عشق می‌شود. در بعضی کلمات هم افتتان آمده است. ریبه یعنی افتتان. افتتان شبیه حالت عشق و دلدادگی است. بنابراین تمایلات مثل خواطر بلکه واضح‌تر از آن دارای مراتب است و در مراتبی از آن به همین عشق می‌انجامد. شاید افتتان مرتبه عالیه‌ای از تمایل باشد لذا ما جدا ذکر نکردیم و یکی از مراتب آن است. ممکن است کسی افتتان را تفسیر چهارم قرار دهد. نگاهی که او را به عاشق شدن می‌کشد. حتی ظرفیت این را دارد که تفسیر و معنای چهارم باشد و می‌شود گفت یکی از مراتب میل است. همان‌طور که خوف وقوع در حرام هم درجات دارد. درجاتی ضعیف است که این نگاه او را به عمل بکشاند این بسیار ضعیف است. این را خوف نمی‌گویند. بعد آن خوف یعنی احتمال عقلایی که مراتب دارد. گاهی شک است گاهی ظن است و گاهی ممکن است بگوییم خوف اطمینان را می‌گیرد و به‌طریق‌اولی قطعاً خوف در آن هم جاری است. لذا اصل این واژه‌ها و مفاهیم تشکیکی است.

جهت دوم تشکیکی هم این است که محرمی که به آن می‌رسد چیست؟ آیا میل به تقبیل دارد یا وقاع و مواقعه؟ درجات معصیت فرق دارد. بحث ادامه دارد. اگر اجازه بدهید امروز روز شهادت است چنددقیقه‌ای ذکر مصیبتی بشود.

1. . سوره احزاب، آیه 32. [↑](#footnote-ref-1)